گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۵۶۱۷۰
یکشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۱ ۱۳:۵۰

یادداشتی از محمد ناصریراد؛

چهارده فیلم، چهارده یادداشت دستاوردهای روز اول جشنواره گِرِن

گریزی به فیلم های روز نخست جشنواره گِرِن.

به گزارش خبر، محمد ناصری راد منتقد سینما در یادداشت ارسالی با موضوع "چهارده فیلم، چهارده یادداشت در روز اول جشنواره گِرِن" به پایگاه خبری گزارش خبر آورده است؛

دیروز، ۱۷ اردیبهشت ماه تالار آزادی واقع در پارک شهر شیراز پس از مدت ها شاهد پخش فیلم های کوتاهی از فیلمسازان شیرازی در نخستین جشنواره ی فیلم کوتاه گِرِن بود و در دو سانس و هر سانس هفت فیلم روی پرده ی نقره ای رفتند.

در وهله ی نخست ضمن گلایه از کیفیت بدِ پخش صدا و تصویر، نمایش فشرده ی آثار و همچنین عدم برگزاری جلسات نقد و بررسی، از حضور پُر شور فیلمسازان و دست اندرکاران فیلم کوتاه، بسیار خرسند بوده و امیدوارم زین پس، شاهد رشدِ برگزاری این دست رویدادهایی که منتج به پویایی و ارتقاء کمی و کیفی تولیدات آثار هنری در سطح کلانشهر شیراز میشود، باشیم.

دیروز در دو سانس چهارده فیلم در قالب های مستند، داستانی و انیمیشن به نمایش در آمده که جایِ خالیِ قالب تجربی در میان آثار محسوس بود. در اینجا به ترتیب نمایش آثار برای هر اثر به فراخور آن یادداشتی مینویسم:

ییلاق سرد / محمد حسین فلاح زاده_محسن دانشور

"ییلاق و صد آه" _ مستند کوتاهی که به چالش های ایجاد شده در زندگی عشایر کوچ روی اطراف کلانشهر شیراز میپردازد.

اولین ویژگی این اثر سوژه ی آن و دومین ویژگی اش پرداخت به تقابل میان سنت و مدرنیسم و سومین خصیصه ی این اثر پایان سیلوئت آن است.

فیلم از یکپارچگی و انسجام خوبی برخوردار نیست و در بسیاری مواقع خط اصلیِ روایت دچار پراکندگی میگردد. بسیاری از صحبت های مصاحبه شوندگان که به فارسی صحبت میکنند در صورتیکه عشایر قشقایی هستند، تکراریست به به طوری که میتوان گفت حداقل پنج دقیقه از این اثر قابلِ حذف است. ضعف دیگر این اثر وفور نماها اضافی و بدون کارکرد دراماتیک است، چرا که زمانی از نماهایی ولو خوب به کثرت استفاده گردد، در ادامه کارکرد خود را از دست میدهد. کیفیتِ فنی صدا و در پاره ای از تصاویر این اثر چندان چنگی به دل نمیزند.

خانه کاغذی / عبدالکریم قشقایی

"خانه ای که عبدالکریم ساخت" _ عبدالکریم قشقایی از فیلمسازان کهنه کار شیرازی، یار دیرینِ مرحوم نگهدار جمالی وسترن ساز شهیر شیرازی این بار با فیلم کوتاه داستانیِ خانه ی کاغذی پس از سال ها در یک فستیوال هنری با جوان تر ها به رقابت میپردازد. قشقایی فیلمی یک دست به صورت سینمای صامت، فرا زمان، فرا زبان و فرا مکان ساخته. فیلمی محتوا محور، سیاه سفید و دوازده فریم با بازی خوب حسین جمالی و جناب چمیانی در محدوده ی مکانی واحد که با کمی اغماض میتوان گفت به فرم رسیده، فیلم کوتاهی در مدیوم و اندازه ی فیلمِ کوتاه، نه بیشتر و نه کمتر

انسان خردمند / علیرضا شهسواری فرد

"انسانِ بی خرد" _ فیلم کوتاهِ صد ثانیه ای و تجربی که در سه نما از دست به بلایایی که انسان بر سر محیط زیست آورده است می پردازد. فیلمی سمبلیک و فرم محور که سودای تفهیمِ محتوای بزرگی را دارد.

سیاه زخم / سجاد ایمانی

"جوکر" _ مستندی کوتاه از سجاد ایمانی فیلمساز نورآبادی که با مستند کوتاهِ "من تهرانی بودم" بر سر زبان ها افتاد و با مستند جوکر به شهرت رسید.

مستندی جعلی که قریب به اتفاق تمامی صحنه های آن جعل شده است، از این رو از کلمه ی جعل به جای بازسازی استفاده میکنم که با فرم مستندگونه(تصاویر گرفته شده با گوشی) سعی بر واقعی جلوه دادنِ صحنه های فیلمبرداری شده دارد. به عنوان مثال چرا باید فردی مدام از آن ها با گوشی موبایل فیلمبرداری کند؟ در صورتیکه همین عمل مدرکی برای مصداقِ جرم است.

بی قرار / مهدی صدیقی

"نقابِ مادر" _ اثری خوش ساخت در قالب پویانمایی که از ویژگی های کیفیِ فنیِ مناسبی برخوردار است، فیلمی بی ادعا و صریح

حدس فروشنده / زهیر سقاچی

"سوداگرانِ سرگردان" _ فیلم کوتاه حدس فروشنده فیلمی ۲۲ دقیقه ای و نسبتا خوش ساخت با روایتی روان و بازی های تا حدودی قابل قبول و واقع گرایانه که با وجود داشتنِ خط قصه، در صحنه هایی به بیراهه رفته و مخاطبان را سرگردان میکند.

خط اصلی قصه از این قرار است: چه میشود اگر فردِ سوداگری با همدستی یکی از دوستانش بخواهد اموال شرکتی را از طریق خریداری که با ماشین وانتی آمده است، خارج ساخته و به فروش برساند. غافل از آنکه تعدادی کارمندان شرکت مانع او میشوند و همین فرصتی برای فرار خریدار ضایعات فراهم میکند، در نهایت متوجه میشویم فرد سوداگر با خریدارِ ضایعات دست به یکی کرده و حتی دوست خود را هم دور زده است. (چه طرحِ قصه ی آشنایی)

وجه تسمیه ی این اثر یعنی " حدسِ فروشنده" با مضمون این اثر اصلا همخوانی ندارد فیلمی با کاراکتر های بسیار که هیچ کدام از آن ها نه عمق و نه بُعدِ چندانی دارند. شاید بزرگترین ضعف فیلم که گویی سودای فیلم بلند شدن را در سر میپروراند، غیر از کثرتِ جای دوربین، خرده پیرنگِ روایی عشق و خیانت باشد که حذف آن از قصه هیچ آسیبی به قصه وارد نکرده و حتی به روایت قصه، دوام و قوام میبخشد. البته شاید این خرده پیرنگ از برایِ خصومت و انتقام شخصی در دل این قصه جانهاده شده باشد. فیلمی با دو پایان، به صراحت میتوان گفت: پایانِ پایانی اش که از فیلم "شیطان صفتان" ساخته ی ژُرژ کلوزو الهام گرفته است، اضافه است.

اسلام آباد / فردین غدیری

"ناکجا آباد" _ مستندی با شروعی خوب ولی کمی کسل کننده که به شیوه ی روایی "آن شب که بارون اومد" ساخته ی تحسین شده ی کامران شیردل، به جنایتی و ظلمی در حق زنی بی کس و بی دفاع میپردازد، در این مستند که در اسلام آباد رخ میدهد و زبان آن ترکی قشقاییست، هر کسی روایت خود را از این سوژه و این حادثه دارد.

(سانس اول نمایش فیلم ها به پایان رسید و پس از وقفه ای نیم ساعته به نظاره ی سانس دوم فیلم ها نشستیم.)

رخ داد / امید درخشان

"سایه ای در توهم" ـ فیلمی در هیبتی پیچیده و پُر طمطراق در سه پلان که اولینش بسیار خوب بود، دومینش پر لرزش و ضعیف و سومینش روی دست، سیال و البته گیج

دوربین از چرخی در حرکت به عقب آمده و دو سوژه را تا نمای لانگ شات تعقیب میکند، فیلمی با دو کاراکتر با بازیِ نه چندان واقع گرایانه در بیابانی سرگردان، پسری به همراه دختری به نام سایه وارد پستوهای ذهنی شده و به یکباره سایه که همانا وهمی بیش نبوده است، منقرض میشود. حالا پسری میماند و پای قطع شده ای که گویی پای خودش است و ترس و ابهام و تلوزیون هایی با مرورِ خاطرات . شاید فیلم کوششی بوده تا گریزی به جهانِ سایه ها و مُثُل افلاطونی داشته باشد ولی اصلا موفق نبوده است.

به رنگِ ارغوان / محمد جواد آرمان مهر

"تایم لپس ها اینسرنت ها" ـ مستندی توضیحی که با تصاویری زیبا، دلکش و دلنواز در قالبِ تلوزیونی به دریاچه ی مهارلو در بیست کیلموتری جنوب شرق شیراز پرداخته و این دریاچه را از جوانبی نظیر زیست محیطی و اقتصادی مورد بررسی قرار میدهد .

گوسفندان ما را خواهند بلعید / مهزیار رستم پور

"کودک همسری" ـ فیلمی از فیلمسازی با جنسیت مرد از تولیدات انجمن سینمای جوانان ایران که به مسئله ی زنان پرداخته است. فیلمبردار این اثر از عهده ی فیلمبرداری در شب به خوبی بر آمده است ولی نتواسته از نور در راستای فضاسازی مناسب در جهت مضمون اثر، بهره ای ببرد. فیلم روایت نسبتا خوب و بازی های واقع گرایانه ای دارد ولی در روایت خود از کثرتِ جای دوربین رنج میبرد .

تصرف ذهن / امین گودرزی پور

"یاد آور بازیِ IGI" ـ انیمشینی کوتاه با تکنیکِ اجراییِ ضعیف، گودرزی پور در این اثر سعی دارد به چگونگی اثر پذیریِ مخاطب کم سن و سال از تهاجم فرهنگی اشاره کند، ولی اسیرِ شعار زدگی و عیان گویی میگردد.

خانه اش ابریست / حجت طاهری

"خانه اش سنگیست" ـ مستندی طولانی و گاها حوصله سر بر که با اتخاذ خطِ داستانی برای یکی از سوژه های انسانی به مسائل و معضلات مردم قریه ای در شهرستان چُرام که همواره در انتظار بارش باران نشسته و امیدی به مسئولان ندارند، می پرداخته است. معضلاتی نظیر آب، برق و راه دسترسی مناسب در این مستند دستخوش روایت شده اند. فیلمساز به خوبی توانسته به اهالی روستا و سوژه ها نزدیک شود و این حاصلِ زیست فیلمساز در این مناطق است.

صحنه سازی / نجاتیان ـ عزت زادگان

"توهمِ یک قتل" ـ اثری پر دیالوگ، پُر خرج و پُر سرو صدا که گویی به تله تئاتری با بازیگرانِ تئاتریِ شیرازی میماند و از معیارهای اصیلِ سینما و قصه گویی در آن فاصله ها دارد. فیلمی با فیلمبرداریِ درست که توانسته به خوبی با استفاده از عنصرِ نور، فضایی وهم آلود را خلق کرده و بسط دهد ، علیرغم همه ی این ها فیلم در برخی جاها در کارگردانی اینسرت ها کلوزهای نامانسبی را به ما ارائه میدهد، در عین حال با فیلمی یک دست و مسنجم روبرو بودیم.

عروسک ها بر آب میمیرند / فائزه کریمی

"ماهی و روبانِ قرمز" ـ حادثه ی تلخِ سیل فروردین ماه سال ۹۸ در شیراز از نظر بسیاری از هنرمندان پنهان نمانده و سوژه ی آثار هنری بسیاری شد. در این مستند که روایتی دَوار دارد این بار سیل از زبانِ دختری ۵ ساله که از اصفهان مهمان شیراز شده و کوچکترین قربانی این سیل است، با شاعرانگیِ کودکانه ای روایت میشود. روایتی میانِ ماهی قرمز، گلِ قرمز، عروسک قرمز و روبانی به رنگ قرمز که همه ی آن ها در خاطره ای گُم شده اند .

امروز هم پخش آثار در دو سانس ساعت ۱۷ و ۱۹ در تالار آزادی ادامه خواهد داشت و فردا در همانجا اختتامیه برگزار میگردد.